درمکتب امام

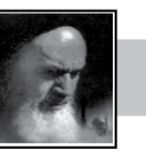

با منافقین چه کنیم؟

بدترین انحراف این است که انسان در ظاهر یك جوری نمایش دهد که واقعش بر خلاف اوست. این نفاق است و نفاق از بدترین خبرهایی است که در قرآن مجید آمده برای خود منافقین، بخصوص یك سوره آمده است، و برای غیر منافقین بالخصوص سوره نیست. البته برای کفار آمده که کفار منافقین هم هستند. بنابراین، آن قدری که اسلام تکیه کرده است بر اینکه منافقین را از بین ببرد یا اصلاحشان کند، برای کفار این طور نیست. انسان می‌داند با آدم کافر چه بکند، اما با منافقین نمی‌داند چه کند. زمان پیغمبر هم همین‌طور بوده است. و در اسلام از منافقین بیشتر تکذیب شده است و منافق اوضح مصادیق کفر است.

صحیفه امام؛ ج۱۷؛ ص۱۹۳ | جماران؛ ۶ دی ۱۳۶۱

خوان حکمت

اهل بیت (ع) و حق حیات بر انسان‌ها

ذات اقدس اله، وجود مبارک رسول گرامی(ص) را برای نجات ما فرستاده است و آن حضرت ما را زنده کرد. آنچه در سوره مبارکه انفال هست این است که هدایت آن حضرت در حقیقت یک آب زندگانی است که جامعه را زنده می‌کند:(یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیبُوا للهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاکُمْ لِمَا یُحْیِیکُمْ)[1] فرمود وقتی خدا و پیامبر، شما را به مسائل دینی، عقاید دینی، اخلاق دینی، حقوق دینی دعوت می‌کنند، اینها عامل حیات شماست.

حیات انسانی مومن

همه ما حیاتی داریم، برخی‌ها حیات گیاهی دارند، هنوز حیوان نشدند؛ برخی‌ها حیات حیوانی دارند، هنوز انسان نشدند؛ آنها که دعوت خدا و پیامبر را اجابت کردند به حیات انسانی می‌رسند، لذا در سوره مبارکه یس بین زنده و کافر تقابل قرار داد و فرمود انسان یا زنده است یا کافر.

صنعتی است به نام صنعت احتباک که در کتاب‌های ادبی مثل مطوّل و اینها مطرح است که اگر چهار مطلب باشد انسان یک در میان بگوید؛ آن دو مطلبی را که نگفت، مخاطب اگر خردمند باشد می‌فهمد. انسان یا زنده است یا مُرده، انسانِ زنده یا کافر است یا مومن؛ این تقسیم چهارضلعی است ولی در سوره مبارکه یس فرمود انسان یا زنده است یا کافر؛ این یا زنده یا کافر یعنی انسان یا مؤمن است یا کافر؛ این حیات، حیات انسانی است. اگر در سوره یس فرمود: (لِیُنذِرَ مَن کَانَ حَیّاً وَیَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَی الْکَافِرِینَ)[2] یعنی کافر، مُرده است و مؤمن زنده است، کافر حیات گیاهی دارد، حیات حیوانی دارد ولی حیات انسانی ندارد. مسئله (إِنْ هُمْ إِلّا کَالأَنْعَام)[3] تحقیر نیست تحقیق است، اگر قرآن کریم درباره عدّه‌ای فرمود: (فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ الْکَلْبِ)[4] یا فرمود: (کَمَثَلِ الْحِمَارِ)[5] سخن از تحقیر کردن یک موجود نیست سخن از تحقیق است.

راه‌های شناخت انسانیت انسان

می‌فرماید برای اینکه معلوم بشود اینها حیوانند و انسان نیستند، سه راه دارد: یکی اینکه انسان چشم ملکوتی باز کند همان طوری که به برکت امام معصوم(ع) برای بعضی از شاگردانشان آن چشم ملکوتی و چشم برزخی باز شد که عدّه‌ای که امام زمانشان را نشناختند و با اهل بیت نبودند به صورت حیوانات بودند[6] این یک راه. راه دیگر اینکه انسان حرف معصوم را به عنوان حجّت بالغه الهی قبول کند که حجّتند؛ راه سوم اینکه چند روز صبر بکند بعد از مرگ مشخص می‌شود چه کسی به صورت انسان محشور می‌شود، چه کسی به صورت حیوان؛ این سه راه هست؛ برای بعضی‌ها هر سه راه هست، برای بعضی دو راه است، برای بعضی یک راه. به هر تقدیر فرمود اینها حقّ حیات دارند، و چون حقّ حیات دارند باید مُزد اینها را بدهید، اینها شما را زنده کردند، به سعادت رساندند، از خطر دنیا، از عذاب آخرت نجات دادند، باید مزد اینها را بدهید، مزد اینها چیست؟ (قُل لاَ أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی)[7] دوستیِ اهل بیت. دوستی یک وقت دوستی عاطفی است که انسان با کسی دوست است، این خیلی معیار نیست، یک وقت دوستیِ عقلانی است آمیخته با نَسب، آدم اگر فرزند عاقلی، عالِمی، دانشمندی داشته باشد، پدر دانشمند داشته باشد، مادر فاضله و عالِمه داشته باشد، خواهر فاضله و عالِمه داشته باشد، از دو جهت به او علاقه‌مند است، یکی از نظر رحامت و یکی از نظر عقل؛ برای اینکه او دانشمند است، عالِم است، عادل است. ما از نظر عقل به اهل بیت ارادتمندیم، برای اینکه اینها ما را زنده کردند، حقّ حیات دادند؛ از نظر رحامت هم به اینها وابسته‌ایم برای اینکه وجود مبارک پیغمبر(ص) یک اعلامیه صادر کرد، ما هم رفتیم امضا کردیم. فرمود: «أنا و علیّ أبوا هذه الامّة»[8] من و علی بن ابی طالب شما را به عنوان فرزندی قبول داریم، بیایید بچه‌های ما بشوید. آن شناسنامه که پدر و مادر شما گرفتند شناسنامه‌های عادی است، این امر طبیعی است، این حساب دنیاست، اما اگر کسی بخواهد شناسنامه اخروی بگیرد، حضرت فرمود: ما شما را به عنوان فرزندی قبول داریم، بیایید بچه‌های ما بشوید، ما هم ـ ان‌شاءالله ـ قبول کردیم. پس این مودّت، هم عقلانی است، هم رحامی است، هم عاطفی است، اینها به گردن ما حقّ حیات دارند و ما را زنده کردند ما شبانه‌روز باید شاکر باشیم.

قرآن و عترت، دو اصل تفکیک‌ناپذیر

خدا غریق رحمت بکند سیدنا‌الاستاد مرحوم علامه طباطبایی را، ایشان می‌فرمودند: بعد از این جمله (قُل لاَ أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی) خدا فرمود: (وَمَن یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِیهَا حُسْناً)[9] این، قدر متیقّن در مقام تخاطب است منظور از این حَسنه گرچه حسنه مصداق‌های فراوانی دارد اما مصداق قطعی، یقینی، کامل حَسنه، ولایت اهل بیت است برای اینکه یک آیه دیگر که نیست این جمله وصل به جمله قبل است (قُل لاَ أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی وَمَن یَقْتَرِفْ حَسَنَةً) این معلوم می‌شود حَسنه است، سایر اعمال خیر هم حسنه‌اند حرفی نیست اما حَسنه کامل مربوط به این خاندان است و چون این خاندان هر جا هستند قرآن هست ،هر چه مربوط به این خاندان شد، مربوط به قرآن است یعنی «ما أسألکم علیه أجراً إلاّ المودّة فی القربی و القرآن»،چون اینها دو اصل تفکیک‌ناپذیرند، اگر دو اصل تفکیک‌ناپذیرند هر چه برای هر کدام ثابت شد برای دیگری هم ثابت است اگر فرمود: «إنّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی و لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض»[10]این با «لن» که نفی تأکید است فرمود هرگز قرآن و عترت از هم جدا نمی‌شوند، اگر در سوره شوری فرمود: (قُل لاَ أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی)[11] یعنی «فی القربی و القرآن» اگر درباره قرآن آمده (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ الله جَمِیعاً) یعنی «القرآن و العترة» اگر فرمود: (إِنّا انزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ)[12]یعنی «القرآن و العترة» حقیقت عترت، حقیقت ولایت در هیچ مقطعی، از کتاب الهی جدا نیست بنابراین اجر رسالت در مودّت قُربا و قرآن است.

بیانات حضرت آیت‌الله جوادی آملی (دام ظله) در جلسه درس اخلاق در دیدار با جمعی از دانشجویان و طلاب، قم؛ ۹۱/۸/۲۵

مرکز اطلاع‌رسانی اسرا

[۱]. انفال، ۲۴. [۲]. یس، ۷۰. [۳]. فرقان، ۴۴. [۴]. اعراف، ۱۷۶. [۵]. جمعه، ۵. [۶]. بصائر الدرجات، ص۲۷۱؛ تفسیر الامام العسکری، ص۶۰۶ و ۶۰۷. [۷]. شوری، ۲۳. [۸]. علل‌الشرایع، ج۱، ص۱۲۷. [۹]. شوری، ۲۳. [۱۰]. عیون اخبار الرضا، ج۲، ص۶۲. [۱۱]. آل‌عمران، ۱۰۳. [۱۲]. قدر، ۱.

خوان حکمت روزهای یکشنبه منتشر می‌شود.

آزمون خطیر نمایندگان ملت

۳ لایحه فاجعه‌آفرین در دستور کار امروز مجلس

این هفته، یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین هفته‌های مجلس دهم خواهد بود زیرا بررسی سه لایحه «الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» و «اصلاح قوانین مبارزه با تامین مالی تروریسم» و «لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی» یعنی همان لوایح سه‌گانه درخواستی گروه ویژه اقدام مالی (FATF) از ایران، در دستور کار مجلس قرار دارد. بررسی این لوایح با اصرار دولت و با قید اولویت، در دستور کار این هفته مجلس قرار گرفته است زیرا مدت کوتاهی تا زمان برگزاری نشست ماه ژوئن (تیرماه ۹۷) FATF که پایان مهلت ایران برای انجام اقدامات باقی مانده در «برنامه اقدام» محسوب می‌شود، باقی مانده است.

اوایل بهمن ماه پارسال، «لایحه الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی» یا همان «پالرمو»، در مجلس مورد بررسی قرار گرفت و علیرغم مخالفت کارشناسان به تصویب رسید.این لایحه یکی دیگر از درخواست‌های FATF از ایران در حوزه قانونگذاری بود. در مجموع، دولت معتقد است در صورت تحقق همه مطالبات FATF از جمله تصویب لوایحه سه‌گانه مورد اشاره، موانع همکاری بانک‌های خارجی با ایران در شرایط پسابرجام برطرف خواهد شد. این در حالی است که نه تنها این تحلیل دولت واقعیت ندارد بلکه تحقق مطالبات FATF، تشدید خودتحریمی و مخاطرات امنیتی فراوانی را به دنبال دارد. بنابراین در چند روز آینده، نمایندگان مجلس دهم باید تصمیم بگیرند می‌خواهند بار دیگر با دولت روحانی همراهی کنند و پاس گل تاریخی در اختیار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای تحت فشار بیشتر قرار دادن ایران قرار دهند یا از تجربه برجام درس عبرت گرفته‌اند و می‌خواهند در مقابل این جریان بایستند؟

روند همکاری‌های ایران باFATF در سال‌های اخیر

گروه ویژه اقدام مالی (FATF) از سال ۱۹۸۹ با پیشنهاد کشورهای موسوم به گروهG7، تشکیل گردید و ماموریت‌های این گروه، مبارزه با پولشویی، مبارزه با تامین مالی تروریسم و مبارزه با اشاعه تسلیحات کشتارجمعی است. FATF از فوریه ۲۰۰۹، کشورمان را به بهانه عدم کارآمدی در رژیم مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم در لیست سیاه خود قرار داده است. کشورهایی در این لیست قرار می‌گیرند که از دیدگاه FATF خطر بالای پولشویی و تامین مالی تروریسم در نظام بانکی آنها وجود دارد و باید علیه آن اقدامات متقابل موثر انجام شود. در بیانیه‌های سال‌های بعد گروه ویژه اقدام مالی تا سال ۲۰۱۶ نیز ایران همچنان در این لیست قرار داشت. این در حالی بود که همکاری ایران با FATF از سال ۱۳۸۶ آغاز شده و در این سال، قانون مبارزه با پولشویی در مجلس به تصویب رسیده بود. اواخر پاییز ۸۸ هم آیین نامه اجرایی این قانون به تصویب دولت رسید. تصویب قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم در ایران هم یکی دیگر از درخواست‌های این گروه از ایران بود که اواسط بهمن ماه ۹۴ در مجلس تصویب شد.

پس از برطرف نشدن مشکلات بانکی کشورمان پس از اجرایی شدن برجام در اواخر دی ماه ۹۴، برخی مسئولین دولتی علت عدم همکاری بانک‌های خارجی با ایران را قرار داشتن نام کشورمان در لیست سیاه FATF اعلام کردند. بر مبنای همین تحلیل و با هدف برطرف شدن موانع همکاری بانک‌های خارجی با ایران در شرایط پسابرجام، ایران از اواخر سال ۹۴ روابط خود با این نهاد بین‌المللی را گسترش داد و «برنامه اقدام» پیشنهادی FATF را با تعهد سطح بالای سیاسی توسط برخی از مقامات ارشد دولتی از جمله وزیر امور اقتصادی و دارایی پذیرفت. در نتیجه، گروه ویژه اقدام مالی در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۶ (اوایل تیرماه ۹۵) با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد ایران به مدت ۱۲ ماه از لیست سیاه تعلیق شده است، اما همچنان در لیست کشورهای غیرهمکار و پرریسک (بیانیه عمومی) قرار دارد. در نشست اوایل تیرماه ۹۶ گروه ویژه اقدام مالی، اتفاق جدیدی در روابط ایران با FATF ایجاد نشد و این نهاد بین‌المللی بار دیگر با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد تعلیق ایران از لیست سیاه ادامه دارد اما همچنان کشورمان در بیانیه عمومی قرار دارد. اواخر آبان ماه پارسال، FATF در پایان نشست خود بیانیه‌ای منتشر کرد و به ایران هشدار داد که فرصت اجرای برنامه ۴۲ ماده‌ای اقدام تا پایان ژانویه ۲۰۱۸ (اوایل بهمن ماه ۹۶) به پایان می‌رسد و کشورمان باید هر چه سریعتر تمامی بخش‌های این برنامه را اجرایی کند. پس از انتشار این بیانیه، دولت تلاش کرد چهار درخواست FATF با ماهیت قانونگذاری را به سرعت محقق کند. بر همین اساس، دولت لوایح الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی (پالرمو)، الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و اصلاح قوانین مبارزه با تامین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی را به مجلس ارسال کرد و مجلس را تحت فشار قرار داد تا این لوایح را در اسرع وقت بررسی کند و به تصویب برساند. در همین راستا، اوایل بهمن ماه، لایحه الحاق ایران به کنوانسیون پالرمو به تصویب مجلس رسید تا بند ۲۸ برنامه «اقدام» محقق گردد. این در حالی بود که تصویب لایحه مذکور این خطر را برای کشورمان به همراه داشت که از لحاظ الزام به جرم‌انگاری فعالیت‌های تروریستی، در تشخیص مصادیق تروریسم دچاراشکال شود و موارد تروریستی مدنظر قدرت‌های استعماری را بپذیرد. البته اواخر اسفندماه پارسال، شورای نگهبان به‌خاطر اختلافات فراوان ترجمه ارسالی دولت با متن اصلی آن و برخی دلایل دیگر، به این لایحه ایراد وارد کرد و آن را به مجلس برگرداند. از طرف دیگر، دولت ضمن تلاش برای تحقق سایر درخواست‌های FATF که عموما بعد فنی داشت، کوشید تا از طریق مذاکره با کشورهای موثر در تصمیم‌گیری این نهاد بین‌المللی مانند اتریش و آلمان، فضای نشست فوریه FATF را تحت تاثیر قرار دهد. نهایتا، در نشست ماه فوریه FATF مجددا شرایط تعلیق ایران تمدید شد و مهلتی ۴ ماهه به کشورمان برای انجام اقدامات باقی مانده در «برنامه اقدام» داد. در بیانیه این نشست درباره وضعیت کشورمان، ضمن اشاره به تداوم تعلیق وضعیت ایران، اجرای ۹ اقدام مشخص از جمله تصویب لوایح الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و اصلاح قوانین مبارزه با تامین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی از کشورمان مطالبه شد و اعلام گردید که در نشست ماه ژوئن (تیرماه ۹۷) FATF درباره وضعیت ایران تصمیم گیری خواهد شد. برهمین اساس، فشارهای دولت به مجلس برای بررسی سریعتر لوایح سه‌گانه درخواستی FATF تشدید شد و نهایتا این موضوع در دستور کار این هفته مجلس قرار گرفت.

مخاطرات امنیتی متعدد تصویب لوایح سه گانه درخواستیFATF

دولت روحانی تلاش دارد تا با تحت فشار قرار دادن نمایندگان مجلس، این لوایح هم مشابه لایحه الحاق ایران به کنوانسیون پالرمو، در مدت کوتاهی به تصویب برسد. این در حالی است که تصویب و اجرای لوایح سه‌گانه مذکور، تهدیدات امنیتی جبران‌ناپذیری برای به همراه خواهد داشت زیرا:

الف- لایحه پیوستن به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم (TF)، که تصویب و اجرای آن در بند ۲۹ برنامه «اقدام» مورد تاکید FATF گرفته است، نقش مهمی در ایجاد زیرساخت‌های حقوقی در ایران بر ضد محور مقاومت ایجاد می‌کند و ابعاد پیوستن به آن به مراتب گسترده‌تر از کنوانسیون پالرمو است. موضوعات تعریف تروریسم و همکاری‌های قضایی میان کشورها برای مبارزه با آن، دو نقطه کانونی و تعیین‌کننده این لایحه است. در این لایحه، اقداماتی را که از سوی مردم یک کشور به منظور مقابله با استعمار یا اشغال خارجی انجام می‌شود، از مصادیق تروریسم استثنا نشده است. بنابراین در صورت تصویب این لایحه، استقلال سیاسی کشورمان نقض خواهد شد و عملا مجبور خواهیم شد تعریف تروریسم را مشابه با استانداردهای بین‌المللی (بخوانید کشورهای غربی) بپذیریم. به عبارت دیگر، خروجی تحمیل شدن این شرایط تحقیرآمیز به کشورمان، قرار گرفتن گروه‌های مقاومت مانند حزب‌الله لبنان در لیست گروه‌های تروریستی است!

ب- مهم‌ترین نکته در لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی، کاهش سطح درگیری و انتزاع وظایف اجرایی از شورای عالی مبارزه با پولشویی و در عوض، افزایش قابل توجه اختیارات و دامنه عملیاتی واحد اطلاعات مالی(FIU) در حوزه پردازش و به اشتراک‌گذاری اطلاعات مربوط به مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم بوده است، امری که مطابق با تاکید FATF در بندهای ۲۴ و ۲۷ برنامه «اقدام» است. در واقع، FATF اعتقاد دارد FIU باید یک نهاد مستقل و دارای قدرت فراوان باشد و هیچ محدودیتی در زمینه ارائه و عرضه اطلاعات از طریق واحدهای اطلاعات مالی به همدیگر نباید وجود داشته باشد. در نتیجه، تصویب این لایحه می‌تواند زمینه مناسبی برای تحقق خواسته آمریکا مبنی بر اینکه در همکاری کشورهای مختلف با ایران، نباید ذی‌نفع واقعی، جزو اعضای لیست تحریمی (SDN LIST) باشد، را فراهم کند.

ج- سومین لایحه درخواستی FATF هم لایحه اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم است. در بند ۸ برنامه «اقدام»، FATF از ایران خواسته است که تبصره ۲ ماده ۱ این قانون مبنی بر معافیت جرم تامین مالی تروریسم برای گروه‌های مشخص‌شده برای تلاش برای مقابله با اشغال خارجی، استعمار و نژادپرستی را حذف نماید. بر همین اساس، در لایحه دولت برای اصلاح این قانون، این تبصره از قانون مذکور حذف شده و سازوکار دیگری با محوریت پیشنهادهای شورای عالی مبارزه با پولشویی، برای اعلام اسامی افراد، گروه‌ها یا سازمان‌های تروریستی تعیین شده است. قطعا تصویب این لایحه، می‌تواند زمینه را برای پذیرش تعاریف بین‌المللی از تروریسم و مصادیق آن، هموار کند.

تشدید خود تحریمی با تحقق کامل برنامه اقدام FATF

در حالی دولت روحانی به دنبال اجرای کامل برنامه اقدام FATF با هدف خروج ایران از بیانیه عمومی این نهاد بین‌المللی است که بندهای ۲۱ و ۳۱ این برنامه با موضوع «شناسایی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات مربوط به ذی‌نفع واقعی»، تهدیدکننده جدی امنیت ملی هستند زیرا زمینه لازم برای موفقیت تحریم‌های ثانویه بانکی را فراهم می‌کنند. بند ۲۱ برنامه اقدام عبارت است از: «تضمین اجرای تمامی الزامات مربوط به شناسایی یا احراز هویت ذی‌نفع واقعی در تمامی موارد از جمله زمانی که مشتریان اشخاص حقوقی باشد» و بند ۳۱ این برنامه هم عبارت است از: «تضمین ارائه همکاری بین‌المللی در زمینه تبادل و به اشتراک‌گذاری اطلاعات مربوط به ذی‌نفع واقعی». در واقع، با اجرای کامل این بندها توسط ایران، بستر مناسب برای اجرای تحریم‌های اقتصادی دولت آمریکا در خاک کشورمان توسط نظام بانکی ایران فراهم می‌شود. با توجه به اینکه ۲۲۳ فرد، نهاد و موسسه ایرانی در لیست تحریم‌های ثانویه بانکی آمریکا قرار دارند و همچنین ۸۷ فرد و نهاد ایرانی کماکان در لیست تحریمی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل قرار دارد؛ در صورت شناسایی ذی‌نفع واقعی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات آن، شاهد اعمال تحریم‌ها از سوی بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی ایرانی که در لیست تحریم قرار ندارند، علیه افراد و نهادهای ایرانی که در لیست تحریم قرار دارند، خواهیم بود. چراکه بانک‌ها داخلی در صورت همکاری مستقیم یا غیرمستقیم با افراد و نهادهای تحریمی دوباره در لیست تحریم قرار می‌گیرند و قادر به انجام روابط بین‌المللی بانکی نخواهند بود. درنتیجه، با اجرای کامل بندهای ۲۱و۳۱ «برنامه اقدام»، بازیگران اقتصادی ایرانی غیرتحریمی یا باید با نهادهای تحریمی ایرانی همکاری کنند و در مقابل، عدم همکاری بانک‌های خارجی و قرار گرفتن مجدد در لیست تحریم را تحمل کنند و یا نهادهای تحریمی ایرانی را تحریم کرده و از فضای ایجاد شده در پسابرجام استفاده کنند. در این شرایط، طبیعی است که برخی از بازیگران گزینه دوم را انتخاب می‌کنند. به عنوان نمونه، واحد ارزی شعبه مستقل مرکزی بانک ملت در خردادماه ۹۵ با صدور نامه‌ای به یکی از نهادهای باقی مانده در لیست تحریم‌های آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل با اشاره به «شرایط دوره پساتحریم، و با توجه به مفاد سند برجام» به این نهاد اعلام کرد که کارسازی خدمات ارزی برای این نهاد امکان‌پذیر نیست.

دور باطل و بی‌نتیجه همکاری گسترده با FATF

برطرف شدن موانع همکاری بانک‌های خارجی با ایران در شرایط پسابرجام، مهم‌ترین علت همکاری گسترده ایران با FATF در دولت روحانی است. این در حالی است که برخلاف تصور برخی از مسئولان ارشد کشورمان مانند رئیس کل بانک مرکزی، همکاری ایران با FATF تلاش بی‌نتیجه‌ای برای افزایش تمایل بانک‌های خارجی با کشورمان است زیرا هرچه ایران تلاش کند تا با افزایش شفافیت، ریسک همکاری با خود را کاهش دهد، آمریکا با افزایش افراد و نهادهای ایرانی تحریمی اثر آن را خنثی خواهد کرد. علاوه‌بر این، آمریکا می‌تواند با افزایش جریمه نقض تحریم‌ها همچون تصویب قانون کاتسا و الصاق برچسب حامی تروریسم به افراد و نهادهای ایرانی، هزینه همکاری با ایران را بسیار افزایش دهد تا اثر مثبت شفافیت خنثی شود. در نتیجه، این موضوع یک دور باطل از همکاری بدون انتها با FATF ایجاد می‌کند که به نفع منافع ملی ایران نیست و سبب افزایش اثرگذاری بیشتر تحریم‌های ثانویه آمریکا را مهیا می‌کند.

خاطر نشان می‌گردد تداوم عدم تمایل بانک‌های متوسط و بزرگ خارجی برای همکاری با کشورمان علیرغم همکاری‌های گسترده ایران با FATF از اواخر سال ۹۴ و حتی خروج کشورمان از لیست سیاه FATF از تیرماه ۹۵ تاکنون هم به خوبی درستی این تحلیل را اثبات می‌کند که این همکاری‌ها تغییر خاصی در روابط بانکی ایران با سایر کشورها ایجاد نمی‌کند و مشکل اصلی، حفظ کامل ساختار تحریم‌های بانکی آمریکاست. به همین دلیل، شاهد هستیم که اواسط فروردین ماه امسال، بانک اوبر اتریش به عنوان نخستین بانک غربی که بعد از امضای برجام، تصمیم به همکاری با ایران گرفته بود، رسما اعلام کرد که به‌خاطر فشارهای تحریمی آمریکا کارهایش را در ایران متوقف کرده است. البته همانطور که انتظار می‌رفت مصاحبه فرانتس گاسلزبرگر، رئیس این بانک اتریشی با شبکه تلویزیونی دویچه‌وله آلمان در رسانه‌های حامی دولت انعکاس چندانی نداشت تا همچنان تحلیل اشتباه دولت روحانی مبنی بر رفع موانع همکاری بانک‌های خارجی با ایران در شرایط پسابرجام در صورت تحقق مطالبات FATF به جامعه به‌خصوص نخبگان منتقل گردد. ظرف چند روز آینده مشخص خواهد شد که آیا نمایندگان مجلس دهم هم مشابه نمایندگان مجلس نهم در قضیه برجام، گرفتار تحلیل اشتباه دولت روحانی خواهند شد و زمینه‌ساز تحقق درخواست‌های خطرناک FATF خواهند شد و یا با چشم باز و بدون عجله و بدون ترس از تهدیدهای غیرواقعی این نهاد بین‌المللی، این لوایح را بررسی می‌کنند و مطابق با منافع ملی در این زمینه تصمیم‌گیری خواهند کرد؟

شمخانی:

شکل‌گیری جنگ علیه ایران امکان‌ناپذیر است

دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: به دلیل برآورد دشمنان از اقتدار سیاسی و آمادگی نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در ابعاد داخلی و خارجی و همچنین فقدان اراده، انسجام و توان عملیاتی دشمن، امکان شکل‌گیری هیچ‌گونه جنگی متصور نیست.

به گزارش فارس، دریابان علی شمخانی، نماینده رهبر معظم انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی در گردهمایی فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی که در ستاد فرماندهی این نیرو برگزار شد، طی سخنانی از نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از مهمترین نهادهای کشور یاد کرد که در شئون مختلف انتظامی، امنیتی و اجتماعی، دارای کارکردهای راهبردی و تعیین‌کننده است.

وی گفت: این نیرو به عنوان حسگر بسیار مهمی می‌تواند شرایط و نیازمندی‌های جامعه را در ابعاد مختلف تشخیص داده و منعکس نماید.

دریابان شمخانی با اشاره به سه دوره رشد ناجا که با جهش سازمانی، هویتی و کارآمدی همراه بوده است، خاطرنشان کرد: ناجا به عنوان سازمانی انتظامی- اجتماعی علی‌رغم پیچیدگی‌های مأموریتی توانسته است با بکارگیری هوشمندانه فناوری‌های نوین، ضمن افزایش سرعت و کیفیت در ارائه خدمات، موضوع نظارت بر عملکرد خود را نیز ساختارمند نموده و در این حوزه در سطح کشور پیشتاز باشد.

دبیر شورای عالی امنیت ملی با مقایسه نقش و جایگاه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی با سازمان‌های مشابه در دنیا خاطرنشان کرد: ماهیت مردمی، خویشتنداری و رافت همراه با اقتدار، موجب افزایش اعتماد جامعه به پلیس و نفوذ معنوی این نیرو در کشور شده است.

وی با تأکید بر ضرورت ارتقاء نرم‌افزاری و تلاش مستمر برای مؤثرتر عمل‌کردن به‌ویژه نسبت به تهدیدات جدید و پیچیده دشمن، روزآمد نمودن شیوه‌های کنترلی و مجهزشدن به دانش روز عملیات روانی را از وظایف جدی و اولویت‌های ناجا ذکر کرد و بر مقابله قاطع و همه‌جانبه با متخلفان و هنجارشکنان که به شکل پیچیده‌ای سعی دارند رخدادهای فرهنگی و اجتماعی را سیاسی و سپس امنیتی کنند، تأکید کرد. دریابان شمخانی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اظهارات و اقدامات رئیس‌جمهور متوهم آمریکا در موضوع برجام، گفت: موفقیت یا شکست برجام به عنوان توافقی سیاسی و امنیتی که به تأیید شورای امنیت سازمان ملل رسیده، آزمونی تاریخی برای ارزیابی اثرگذاری منطق گفت‌وگو به جای منازعه و همچنین میزان کارآیی نهادهای بین‌المللی برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز چالش‌های گوناگون در جهان است.

نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی افزود: اگر رئیس‌جمهور فعلی آمریکا توافق و تعهد دولت قبل از خود را قبول ندارد، قطعاً هیچ کشور دیگری حاضر به مذاکره و توافق با آمریکا نخواهد بود چرا که این احتمال وجود دارد که دولت‌های بعد نیز تعهدات دولت فعلی را رد کنند.

وی با تبیین ابعاد جنگ ادراکی که از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی برای قرار دادن گزاره جعلی تسلیم- جنگ در برابر افکار عمومی دنبال می‌شود، اظهار داشت: به عنوان مسئول نهاد امنیت ملی کشور با صراحت و اطمینان اعلام می‌کنم که به دلیل برآورد دشمنان از اقتدار سیاسی و آمادگی نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در ابعاد داخلی و خارجی و همچنین فقدان اراده، انسجام و توان عملیاتی دشمن، امکان شکل‌گیری هیچ‌گونه جنگی متصور نیست.

کواکبیان: در انتخابات آتی باید برای مردم جا بیندازیم خط روحانی و اصلاح‌طلبان جداست!

نماینده اصلاح طلب مجلس گفت: یکی از نکات که باید انجام دهیم این است که بگوییم خط اصلاح‌طلبی با خط آقای روحانی فرق دارد. اگر بتوانیم این کار را به درستی انجام دهیم به نظرم ۵۰ درصد به هدفمان رسیده‌ایم.

مصطفی کواکبیان نماینده اصلاح‌طلب مجلس در گفت‌وگو با تسنیم با اشاره به اختلاف اصلاح‌طلبان بر سر شورای سیاستگذاری این جریان گفت: «شورای سیاستگذاری در همین چند سال اخیر شکل گرفته است و ظاهرا برخی هم خوششان آمده و می‌گویند، این موضوع را ادامه دهیم. ولی ما بعد از انتخابات مجلس، در آن شرکت نکردیم و آن ساز و کار را خیلی قبول نداریم.اعتقاد داریم باید به ساز و کار شورای هماهنگی جبهه اصلاحات بازگردیم. ما ۷، ۸ حزب مهم اصلاح‌طلب، اعلام کردیم که پس از انتخابات مجلس شورای سیاستگذاری باید «کات» شود.»

وی در ادامه به اختلافات خود با لاریجانی پرداخت و گفت: «خط سیاسی بنده با آقای لاریجانی همخوانی ندارد، مگر در برخی مواقع در جریان مستقلان که لاریجانی راهبری این جریان را بر عهده دارد افرادی مثل کاظم جلالی که در لیست ما بودند، بعد در مجلس «فراکسیون‌دار» شدند. عملاً پشت پرده آن فراکسیون هم خود آقای لاریجانی است. بنده در نحوه اداره مجلس بحث دارم. برخی مواقع هیئت رئیسه در خود رئیس خلاصه می‌شود که این برای ما سنگین است. به طور مثال موضوعی را می‌بینید که صبح در مجلس درباره آن جلسه غیرعلنی برگزار می‌شود و از هیئت رئیسه که پرسیده می‌شود، موضوع چیست، آنها نیز اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند». کواکبیان با بیان اینکه در بحث لایحه ۳۴ ماده‌ای دولت به مجلس و نامه لاریجانی به شورای نگهبان لاریجانی می‌گفت من به عنوان رئیس مجلس نامه نوشتم نه مجلس، افزود: «آقای لاریجانی اگر رئیس مجلس نباشد، اگر در خیابان قدم بزند شاید فردی او را نشناسد، الان به عنوان رئیس مجلس هست که مطرح می‌شود و هر روز خبر یک صدا و سیما است.»

نماینده اصلاح‌طلب مجلس به برخی ویژگی‌های روحانی نیز اشاره کرد و گفت: «روحانی اخلاقیاتی دارد، یکی از اخلاقیاتش این هست که به دنبال قدرت مستقر است؛ یعنی الان اگر لاریجانی رئیس نبود خیلی از جلسات را با او نمی‌گذاشت. چون الان او قدرت دارد فعلاً با او ارتباط برقرار می‌کند ما در انتخابات احساس می‌کردیم آقای روحانی اگر رئیس‌جمهور نشود، جریانی بدتر از او سرکار می‌آید.»

به گفته کواکبیان واعظی رئیس دفتر رئیس‌جمهور ایشان نه پیشینه حزبی جدی دارد و نه کار تشکیلاتی کرده اما به خوبی از موقعیت سیاسی‌اش استفاده می‌کند و تقریباً همه‌کاره دفتر ایشان است.

وی به موضوع رابطه اصلاح‌طلبان با رئیس‌جمهور اشاره و تصریح کرد: «در بحث اصلاح‌طلبی نکته‌ای که مطرح می‌شود، این است که ما باید کاری کنیم که مردم به ما دلگرم شوند. یکی از نکات که باید انجام دهیم این است که بگوییم خط اصلاح‌طلبی با خط آقای روحانی فرق دارد. اگر بتوانیم این کار را به درستی انجام دهیم به نظرم ۵۰ درصد به هدفمان رسیده‌ایم. یعنی بیاییم به مردم بگوییم هم خط آقای لاریجانی و هم خط آقای روحانی با سیستم اصلاح‌طلبی جور درنمی‌آید؛ ما در انتخابات ریاست جمهوری اخیر نقش «نردبان» را برای آقای روحانی بازی کردیم. ولی در انتخابات بعدی نباید برای هیچ شخصی این نقش را ایفا کنیم.»

کواکبیان افزود: «متاسفانه خیلی از اقدامات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی دولت به پای ما اصلاح‌طلبان نوشته می‌شود. البته قصد ندارم که خیلی زبان به انتقاد از دولت بچرخانم ولی من در مجلس هم، طی تذکری خطاب به رئیس‌جمهور گفته بودم که آقای روحانی بجنبید و کمی بیشتر فعالیت کنید. چراکه زمان برای کار کردن کم است. هفته آینده سال‌روز انتخابات ریاست جمهوری است، چشم روی هم بگذارید سه سال دیگر هم می‌گذرد؛ لذا دولت باید اهتمام جدی به محقق کردن وعده‌هایی که به مردم داده، داشته باشد. البته من نمی‌گویم که وعده‌ها از سوی دولت پیگیری نمی‌شود، ولی واقعا به کندی پیگیری می‌شود و مسائلی به شکل ملایم پیش می‌رود.»

آیت‌الله خرازی: رهایی از سلطه مستکبران بزرگ‌ترین برکت انقلاب است

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ضمن یادآوری خاطره‌ای از دیدار با امام خمینی(ره) بر تاکید ایشان در پرهیز از بی‌انصافی نسبت به انقلاب و دستاوردهایش اشاره کرده و گفت: رهایی از سلطه مستکبران بزرگ‌ترین برکت انقلاب است.

آیت‌الله سیدمحسن خرازی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در جلسه درس اخلاق خود با تأکید بر اینکه باید آثار انقلاب و برکات بسیاری که برای کشور و مردم داشته برای جامعه تبیین شود، گفت: واقعا دوران انقلاب و برکات آن با دوران قبل از آن قابل مقایسه نیست.

وی افزود: زمانی با جامعه مدرسین خدمت امام راحل رفتیم که حضرت امام به برخی افراد که مدام بدون انصاف به انقلاب ایراد می‌گرفتند تشر زدند که آیا می‌توانند یک مغازه را اداره کنند؟ نباید در برابر این نعمت بزرگ و برکاتی که برای مردم داشته بی‌انصافی شود.

آیت‌الله خرازی با بیان اینکه برکات و آثار مثبت انقلاب بسیار است و باید خداوند متعال را شاکر باشیم، اظهار داشت: یکی از نعمت‌های الهی که در قرآن آمده این است که ملتی تحت سلطه کفار نباشد که برای جامعه اسلامی برنامه‌ریزی و آنان را اجرا کنند و انقلاب اسلامی همین نعمت بزرگ است.

وی ادامه داد: جامعه اسلامی باید در برابر توطئه‌های دشمنان اسلام مقاومت کند، نباید نعمت‌های الهی را فراموش کنیم بلکه باید از انقلاب حراست و حفاظت کنیم.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با بیان اینکه وظیفه اهل علم و روحانیت هدایت جامعه است، ابراز داشت: طلاب باید در این مسیر شرح صدر داشته باشند، باید مردم را دعوت به حق کنیم و اگر در این مسیر مشکلاتی وجود داشت باید با ریشه‌یابی آنها را برطرف کرد.

وی عنوان کرد: رهبر انقلاب فرمودند که با دانشجویان باید خاکی برخورد کرد، باید با تواضع و خیرخواهی با مردم و مخاطبان برخورد شود نه اینکه برخوردها از موضع قدرت و فرمان دادن باشد چرا که جوانان زیر بار اینگونه برخوردها نمی‌روند.

استاد اخلاق حوزه علمیه قم خاطرنشان کرد: کار روحانیت انتقال معارف دینی و پرداختن به هدایت جامعه با ملایمت است، روحانی باید مدیریت داشته باشد و با تبیین معارف ناب دین مردم را جذب اسلام کند، در مسیر هدایت باید محکم در میدان ایستاد و با شرح صدر عمل کرد.

نگاهی به دیروزنامه‌های زنجیره‌ای

دولت در جلسات خصوصی با فیلتر تلگرام موافق است اما در ظاهر ژست مخالف می‌گیرد

سرویس سیاسی ـ

روزنامه ایران دیروز مدعی شد که برجام هسته‌ای معادلات ترامپ، نتانیاهو و بن سلمان را در منطقه بر هم زده؛ اگر این طور است چرا حامیان دولت و افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی گلویشان را با «سوریه هم برجام می‌خواهد» پاره می‌کنند؟! ارگان دولت در مطلب دیگری خاطرنشان کرد که اظهارات مقامات دولتی با واقعیت بازار فاصله دارد. یک روزنامه زنجیره‌ای هم نوشت که دولت از موافقان فیلترینگ در جلسات مسئولان بخش‌های مختلف نظام است اما در بیرون برای حفظ وجهه و راضی نگه داشتن بدنه اجتماعی حامی دولت ژست مخالف به خود می‌گیرد.

با نزدیک شدن موعد اعلام تصمیم ترامپ برای ماندن در برجام یا خروج از آن، حامیان دولت به تکاپو افتاده‌اند تا این خسارت محض و توافق یکطرفه را گردن منتقدان بیندازند.

برجامی که یک حساب بانکی برای ایران باز نکرد چطور داعش را تارومار کرد؟!

روزنامه ایران دیروز در مطلبی نوشت: «برای دقایقی تصور کنیم اگر برجام نبود کشور در چه شرایط دشوار داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار می‌گرفت. راز آشفتگی و عصبانیت ترامپ، نتانیاهو و بن سلمان در این است که به وضوح می‌بینند برجام باعث شد ایرانی که در چنبره فشار و تحریم‌های فلج‌کننده گرفتار شده بود و سایه جنگ را بر سر خود می‌دید، نه تنها جان تازه‌ای گرفته و دوباره روی پای خود ایستاده است؛ بلکه چنان قوی شده است که محاسبات و معادلات آنها را در منطقه با قدرت و نفوذی که مجدداً به دست آورده، برهم زده و نه تنها سرنگون نشده که از سرنگونی دولت‌های دیگر در منطقه جلوگیری می‌کند و تروریست‌های داعش را هم تار و مار کرده است.»

تار و مار کردن تروریست‌ها و جلوگیری از سقوط دولت‌ها در منطقه اگر به واسطه برجام بوده، چرا مدعیان اصلاحات بر طبل برجام منطقه‌ای می‌کوبند؟ به عبارت دیگر، بر اساس ادعای ارگان دولت، برجام هسته‌ای معادلات ترامپ، نتانیاهو و بن سلمان را در منطقه بر هم زده؛ اگر این طور است چرا حامیان دولت و افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی گلویشان را با «سوریه هم برجام می‌خواهد» پاره می‌کنند؟ برجام که یک حساب بانکی هم در انگلیس برای ایران باز نکرد، چطور داعش را تار و مار کرد؟!

پیوستن داعش به زباله‌دان تاریخ و پیروزی معنادار مجاهدان فی سبیل‌الله و محور مقاومت بر تروریست‌های تکفیری و حامیان پر و پا قرص منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن برتری، اتفاقا استیلا و چیرگیِ «ایستادگی، مقاومت و پایداری» را بر مذاکره به روشنی ثابت کرد.

کام ملت را چه کسانی تلخ کردند؟

ایران نوشت: «تنگ‌نظری‌های داخلی و جناحی دیدن برجام باعث شد تا کام ملت از آثار بزرگی که برجام برای اقتصاد داخلی و عزتی که در جهان پس از یک دوره انزوای مطلق به ارمغان آورد بهره‌برداری مطلوب نشود.»

عراقچی، رئیس ستاد پیگیری اجرای برجام چندی پیش در اندیشکده سلطنتی چتم هاوس در انگلیس گفته بود: «ایران برجام را داستانی موفق نمی‌داند چراکه ایران از آن بهره‌مند نشده و تحریم‌ها برداشته نشده است. دلیل ساده است، آمریکا تقریبا هر روز تعهداتش در برجام را نقض می‌کند و آمریکا دلیل این مسئله است که برجام برای ایران موفق نبوده است. حتی متن و کلمات برجام نقض شده‌اند.»

کام ملت را آنها تلخ کردند که هشدارهای منتقدان مبنی بر رعایت قواعد بدیهی همچون «توازن تعهدات»، «همزمانی اجرای تعهدات»، «اخذ تضمین از طرف مقابل» و «پیش‌بینی برگشت‌پذیری امتیازات واگذار شده در صورت نقض عهد» را در نگارش رعایت نکردند، گلویشان را با فحاشی به آنها پاره کردند و به جهنم حواله‌شان دادند. وعده دادند که تحریم‌ها بالمره برداشته می‌شود و شکوفایی اقتصادی پدید می‌آید اما برجام دایره تحریم‌ها را گسترده‌تر کرد معضلات اقتصادی در پسابرجام عمیق‌تر شد. حامیان دولت به جای پذیرش مسئولیت این خسارت محض، از روی عصبانیت فرافکنی می‌کنند.

برجام نابود می‌شود چون آمریکا می‌خواهد بیش از این تحقیر نشود!

در بخش دیگری از این مطلب آمده است: «عده‌ای در داخل متوجه باشند نابودی برجام ذوق‌زدگی ندارد، نیش و کنایه هم ندارد چون آمریکا می‌خواهد دیگر بیش از این با برجام تحقیر نشود و صهیونیست‌ها و سعودی‌ها بسیار مایلند دوباره ایران را در قهقرا و انزوای گذشته ببینند.»

از برجام چیزی باقی نمانده که بخواهد نابود شود. توافق هسته‌ای در روز نخست اجرای آن در دولت اوبامای مؤدب و باهوش! نقض و نابود شد. عدم واکنش متقابل از سوی دولت به نقض برجام، سبب شد تا دشمن این پیام را دریافت کند که هرچقدر برجام را نقض کند، ایران از آن خارج نمی‌شود و بدین ترتیب توافق هسته‌ای به ابزار دلچسب آمریکا و اروپا برای افزایش فشار و تهدید ایران و بستر همدستی برای گنجاندن زیاده‌خواهی‌ها و مداخله‌جویی‌هایشان تبدیل شد. نبض برجام مدت‌هاست که دیگر نمی‌زند.

دولت با فیلتر تلگرام موافق است اما در ظاهر ژست مخالف می‌گیرد

روزنامه اصلاح‌طلب ابتکار در گزارشی در بررسی موج ابراز ناامیدی از وعده‌های محقق نشده دولت روحانی و موضوع پیام‌رسان‌ها، نوشت: «رفتار فعلی دولت به نحوی است که اینگونه استنباط می‌شود که آنها بخشی از موافقان فیلترینگ در جلسات مسئولان بخش‌های مختلف نظام هستند و در بیرون برای حفظ وجهه، راضی نگه داشتن بدنه اجتماعی حامی دولت و شهید نشدن حرف رئیس‌جمهوری ژست مخالفت به خود می‌گیرند. آنچه مردم نیاز دارند صداقت در عمل و گفتار چه در درون و چه در بیرون است، برای همین هم شاید صدور صدها اطلاعیه این‌چنینی رضایتی در مردم ایجاد نکند.»

اظهارات مقامات دولتی با واقعیت بازار فاصله دارد

روزنامه ایران دیروز طی گزارشی درباره وضعیت بازار پس از دلار ۴۲۰۰ تومانی، نوشت: «دولت در هفته‌های اخیر بارها اعلام کرده که دلار مورد نیاز همه بخش‌های کشور به اندازه کافی با قیمت ۴۲۰۰ تومان عرضه خواهد شد و همه متقاضیان از جمله فعالان اقتصادی، مسافران، دانشجویان و محققان می‌توانند از ارز با این نرخ استفاده کنند... با وجود این اظهارات مقامات دولتی آنچه در بازار دیده می‌شود، اندکی با اخبار فاصله دارد. به طوری که دلار ۴۲۰۰ تومانی به اندازه کافی موجود نیست و ثبت برخی سفارش‌ها با مشکل مواجه است.»

ارگان دولت ادامه داد: «از سوی دیگر هنوز دلار بالاتر از ۵ هزار تومان و یورو بالای ۷ هزار تومان در بازار فروش می‌رود و قیمت بسیاری از کالاها نیز رشد کرده است. در همین حال بسیاری از فروشندگان یا کالا برای فروش ندارند یا دارند و نمی‌فروشند.»

گلایه روحانی از مستندسازی توافق سعدآباد

عزت‌الله ضرغامی، رئیس اسبق رسانه ملی در مصاحبه با روزنامه آرمان گفت: «هنگامی که مذاکرات سعدآباد انجام شد و پس از این مذاکرات وزرای خارجه سه کشور اظهارنظرهای نامناسبی درباره این مذاکرات انجام دادند صداوسیما به این نتیجه رسید که در این زمینه یک مستند بسازد. هنگامی که این مستند ساخته شد آقای روحانی نسبت به پخش این مستند به دفتر رهبری گلایه کردند.»

گفتنی است، در مهرماه سال ۸۲ توافق سعدآباد بین ایران و تروئیکای اروپایی(انگلیس، فرانسه و آلمان) منعقد شد. در آن مقطع در حالی که دولت اصلاحات «واو به واو» تعهداتش را در این توافق اجرا کرد و بسیاری از تأسیسات هسته‌ای خود را به حالت تعطیلی و تعلیق درآورد، سه کشور اروپایی حتی یکی از تعهداتشان را نیز اجرایی نکردند.

آدام ارلی، معاون وقت سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با اشاره به توافق سعدآباد گفت: «وادار کردن ایران به انجام چنین کاری نتیجه یک تلاش چندجانبه بود که ما خواهان آن بودیم و به طور کامل در آن شرکت داشتیم.» ارلی همچنین با خوشحالی اعلام کرد: «وزیران امور خارجه سه کشور اروپایی در مذاکرات خود در تهران هیچ امتیازی به ایران نداده‌اند.»

روحانی مرداد ماه ۱۳۸۴، در روزهای پایانی مأموریت خود در سمت دبیری شورای عالی امنیت ملی طی نامه‌ای تاریخی خطاب به محمد البرادعی دبیرکل سابق سازمان انرژی اتمی گزارشی از روند فراز و فرود پرونده هسته‌ای ایران ارائه کرد که خلاصه آن نشان می‌دهد روند دو سال مذاکرات هسته‌ای در دولت اصلاحات با تروئیکای اروپایی(انگلیس، فرانسه و آلمان) به طور کامل به «شکست» رسید و در حالی که جمهوری اسلامی ایران واو به واو تعهداتش را در این مدت اجرا کرد و بسیاری از تاسیسات هسته‌ای خود را به حالت تعطیلی و تعلیق درآورد، سه کشور اروپایی حتی یکی از تعهداتشان را نیز اجرایی نکردند. در بخشی از این نامه آمده است: «متأسفانه، در مقابل اگر نگوییم هیچ، ایران مابه‌ازای بسیار اندکی دریافت کرد و بارها اقدامات اعتمادساز خود را افزایش داد و تنها در عوض آن، با قول‌های انجام نشده و درخواست‌های بیشتر روبه‌رو شد».

متاسفانه علی‌رغم تجربه مهم توافق سعدآباد، دولت آقای روحانی در روندی مشابه، توافق برجام را امضاء کرد. اما- به دلیل خوی سلطه‌گری طرف مقابل و عدم تغییر آن در گذر زمان- همان طور که منتقدان نیز به درستی اشاره کرده بودند ـ برجام نیز همانند سعدآباد تقریبا و تحقیقا هیچ دستاوردی در پی نداشت.

ضرغامی در بخش دیگری از مصاحبه با روزنامه آرمان گفت: «هرچه ما به آقای روحانی خدمت می‌کردیم و شرایط بیشتری برای ایشان در نظر می‌گرفتیم انتظارات ایشان افزایش پیدا می‌کرد. نکته جالب درباره آقای روحانی این است که هنگامی که با ایشان صحبت می‌کنید و برای ایشان دو ساعت استدلال می‌کنید، هنگامی که جلسه تمام می‌شود انگار که با یک بشقاب صحبت کرده‌اید و هیچ تغییری در رویکرد ایشان مشاهده نمی‌کنید. این وضعیت حتی در چهره ایشان نیز وجود ندارد و چهره ایشان به شکلی نیست که انسان علاقه به ادامه دادن داشته باشد.»

سیاست کهنه فرافکنی با ایجاد ترس از آینده

روزنامه زنجیره‌ای شرق در سرمقاله شماره دیروز خود سیاست قدیمی و کهنه شده ایجاد ترس و وحشت از آینده‌ای که شبیه دولت‌های سابق است را پی گرفت و نوشت: «در سیاست ایران تغییری جدی روی خواهد داد.»

در بخشی از این یادداشت آمده است: «درست یا نادرست، آنچه همه به آن باور دارند این است که وضعیت سیاست کنونی در ایران نیازمند اصلاح و تغییر است. تجربه نشان داده است که چنین شرایطی همواره آبستن حوادث نابهنگام است؛ حوادثی که به‌طرز بطئی نطفه می‌بندند و ناگهان پدیدار می‌شوند. این زایش دردناک گاه در موعد مقرر و گاه به‌ناگزیر با سزارین همراه است. تغییرات گسترده دوره هاشمی در سیاست و اقتصاد و فرهنگ، نطفه حادثه‌ای را در بطن خود پروراند که سزارینِ دوم خرداد تجلی آن بود.»

در بخش دیگری از این نوشتار آمده است: «اصلاح‌طلبان با ذهن تحلیلگرِ خود در کمین نشسته‌اند تا در موقع لزوم شرایط را به نفع خود تغییر دهند. اما در حال حاضر بیش از هر چیز عیان است که نیروهای سیاسی ایران فاقد توانِ لازم برای آنند که در ستیز گذشته و حال، بانیِ ظهور آینده‌ای متفاوت باشند.»

سردبیر شرق در سرمقاله خود آورده است: «از تحلیل شرایط این‌گونه استنتاج می‌شود که ظهور رئیس‌جمهوری غیر سیاسی، همسو با سیاست‌های خاورمیانه‌ای که اختیارات فراتری از رؤسای‌جمهور سابق خواهد داشت دور از ذهن نخواهد بود. ایده دیگری که می‌تواند از دل این شرایط بیرون بیاید، ظهورِ «مرد سرنوشت‌ساز» است. البته مرد سرنوشت‌سازی که در تکرار تاریخ بعید نیست تراژدی آن کمدی از آب در بیاید. مهم نیست این حدس و گمان‌ها به واقعیت بپیوندد، آنچه اهمیت دارد این است که در سیاست ایران تغییری جدی روی خواهد داد.»

نویسنده کشور را نیازمند تغییر می‌داند و می‌خواهد اما از تغییری مانند آنچه در اواخر دوره اصلاحات پیش آمد و منجر به تغییر دولت اصلاحات شد، بیم می‌دهد و آن را تراژدی می‌خواند، فارغ از اینکه دولت بعد از اصلاحات چه بود و چگونه سیاست ورزی کرد و این سیاست‌ها چگونه به انحراف کشیده شد و به آنچه در سال‌های پایانی نمود یافت منتهی شد، روزنامه زنجیره‌ای شرق از آینده نگران‌کننده مردم را بیم می‌دهد، مدعیان اصلاحات کارنامه ایجابی در چنته ندارند و جز ایجاد ترس از آینده برای سیاست‌ورزی راهی نمی‌شناسند. این سیاست دیگر کهنه شده است.

آنچه از مشکلات گوناگون معیشتی و... در کشور دیده می‌شود، ناشی از حضور مدعیان اصلاحات در بدنه دولت است، دولتی که اکثریت اعضای آن را یک جریان سیاسی خاص تشکیل داده است و امروز دیگر زنگ انشاء سپری شده و نوبت پاسخگویی است نه پیگیری سیاست گذشته.